

مجموعه شعر

زخمه درون

مصطفی شریاری تبار



سرشناسه :
عنوان و نام پدیدآور :
مشخصات نشر :
مشخصات ظاهری :
فروست
شابک :
وضعیت فهرست نویسی :
یادداشت :
موضوع :
موضوع :
رده بندی کنگره :
رده بندی دیویی :
شماره کتابشناسی ملی :

شهریاری تبار، مصطفی، ۱۳۵۱
زمزمه درون/ مصطفی شهریاری تبار
کرج: بهترین نگاه، ۱۳۹۷
۱۱۱ ص:؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س م.
دفتر شعر: ۱.
978-600-95245-5-6
فیفا
بالای عنوان : مجموعه شعر.
شعر فارسی -- قرن ۱۴
Persian poetry – 20th century
PIR۸۳۴۹/ه۴:۸ ۱۳۹۷
۸۱/۴۴
۵۳۹۳۶۱

شناسنامه کتاب :

نام کتاب : زمزمه درون

نویسنده : مصطفی شهریاری تبار

تایپ : امیررضا شهریاری

ناشر : انتشارات بهترین نگاه

نوبت چاپ : اول

سال چاپ : ۱۳۹۷

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۱۵۰,۰۰۰ ریال

تمام حقوق این اثر متعلق به نویسنده می باشد

شابک : 978-600-95245-5-6

شماره پخش : ۰۹۱۲۵۰۳۲۷۳۳ - ۰۹۱۸۵۰۳۸۳۰۶

Mosat1351@gmail.com

فهرست

ردیف	عنوان	صفحه
۱	پیشگفتار	۵
۲	خدای یکتا	۹
۳	بدرقه	۱۱
۴	غم گذشته	۱۳
۵	غم دل	۱۶
۶	ماه شب	۱۸
۷	نقش دیروار	۲۰
۸	حسرت دستهای تر	۲۲
۹	حسرت شب	۲۴
۱۰	عشق خدایی	۲۷
۱۱	لاله سرنگون	۲۹
۱۲	نگار آسمانی	۳۱
۱۳	خالق دانه	۳۵
۱۴	کلید دار کعبه	۳۸
۱۵	فشرش ره	۴۱
۱۶	خلقت شیطان	۴۴
۱۷	جهان دو روز	۴۷
۱۸	آفرینش	۴۹
۱۹	مرغ آسمانی	۵۲

۲۰	بسازد یا بسوزد	۵۶
۲۱	سوز دل	۵۹
۲۲	دل روشن	۶۵
۲۳	هزار توی زندگی	۶۹
۲۴	رنگ بی تاب	۷۲
۲۵	چراغ امید	۷۵
۲۶	جدال پنج ریه	۷۹
۲۷	بیداد آسمان	۸۳
۲۸	شاخ شکسته	۸۵
۲۹	خرمن سوز	۸۷
۳۰	رسوای دل	۹۰
۳۱	باران اشک	۹۲
۳۲	بزم یار	۹۵
۳۳	جدال خیر و شر	۹۹
۳۴	ختم کلام	۱۱۱

پیش گفتار:

بی شک هیچ کس بدرستی نمی داند ، اولین باری که انسان قلم بدست گرفت و شروع به نوشتن حرف دلش نمود کی و کجا بوده ؟ یا داستان آن چه بوده است . اما بسیار محتمل است که عشق ، عامل و باعث سرودن و نوشتن اشعار گردیده باشد (عشق به خالق ، به وطن ، به زن و فرزند یا به یار و مادر) . سخن گفتن از دلیری پهلوانان طایفه و عشیره و توصیف قهرمانی آنها ، بیان زیباییهای زنان ، ابراز ارادت به پیران قوم یا پدر و مادر ، توصیف حد و بند یکتا و یابست های گوناگون بت پرستان و وصف زیباییهای طبیعت عواملی هستند که زبان انسان را به شاکوایی باز نمودند و یا بالعکس نفرت و تنفر . ندامت و همین صورت و با اشکال متعدد از جمله : حمله کردن زبانی به دشمنان ، سگدلی ها و نامهربانیهای یار ، وصف روزگار نامراد و ناپایدار ، وصف طایعت طاقت فرسا و پرزحمت بودن آن در برخی مکانها و عواملی که باعث سختی زندگی هستند و نفرین کردن دشمنان ، باعث بیان حرف دل گردیده است .

انسان موجودی زیباپرست و زیباییان است این خصلت بداندی و فطری اوست . پس همیشه حرفهایش را زیباتر نمود و کلام آهنگین و موزون گردید . اما عوامل بسیار مهمی در این میان بوجود آمد که باعث شد شعر به مرحله تکامل خود برسد و آن رقابت و حسادت بود . دو نیرویی که در

صورت استفاده درست، باعث کامل شدن معلول میگردند. و در این قضیه نیز تأثیر مثبت نهادند.

شعرا برای پیشی گرفتن از رقیبان، با زحمت زیاد اشعار زیباتر گفتند و شیرینی و لذت ناشی از آن باعث گردید برای این هنر غیر ملموس خریدار پیدا گردد. شاید اولین شنوندگانی که برای شنیدن اشعار شاعران، وجهی پرداخت نمودند، پادشاهان و حاکمان بودند، که مداحان را مورد تفقد و نوازش قرار دادند. اندک اندک اوضاع تغییر نمود، عامه مردم در مکانهای عمومی (که طبق سومشان) جمع می شدند شاهد حضور شاعرانی بودند، که اشعار عاشقانه و حماسی را می خواندند و حضار نیز وجهی بابت شنیدن این زیباییها پرداخت نمیدادند. بر روی تأثیر شعر بر مردم آشکار شد. پادشاهان و بزرگان که مانند سایر یک شعر را تجربه کرده بودند، به هر نحوی که ممکن بود (دادن پاداش، یا حتی بزور) شاعران معروف را وادار به سرودن اشعاری در مدح و ثنای خود، یا بر علیه رقبا و دشمنان می نمودند و شاعران هم برای کسب درآمد، گذران زندگی به سمت آنها گرویدند و این امر باعث بوجود آمدن شعلی برای آنها شد و صرف نمودن تمام وقت بر فعالیت و دقت بیشتر، پیشرفت قابل توجهی در اشعار بوجود آورد. این پیشرفت ها سبب گردید تا برای سنجش، مقیاس و معیارهایی نیز بوجود بیاید و حتی باعث ایجاد قالب ها و شکل های بخصوص در بیان اشعار گردید. دیگر در سرودن یک شعر علاوه بر شیرینی سخن، می بایست به حفظ قوانین بوجود آمده نیز دقت نمود و حتی

اگر حرف های بسیار زیبایی بیان میگردید ولی از قالب های مورد نظر تبعیت نمی نمودند ، شعر شناخته نمی شدند .

شعر ، بیان سخن دل و حرف از احساسات فرد است . هر انسانی در زمانهای خاصی نیاز دارد به نحوی خود را تخلیه نماید و یک شاعر بهترین راه آنرا بر کاغذ آوردن تفکراتش به صورت جملات زیبا دیده است . به همین خاطر در یک مکانیک یا پزشک یا خلبان ، شعر بگوید عجیب نیست . شاعری را - در هیچ دانشگاه و مدرسه ای آموزش نمی دهند .

اگر به اینجایب از علاقه مندان اشعار بزرگانی همچو حافظ ، سعدی و مولوی و دیگران هستیم ، از خواندن آنها لذت میبریم ، اما خود را مقید به رعایت قالبهایی که آن بزرگان در آن دوران رعایت می نمودند نمی دانم . در زمان گذشته حتی نثر گزنی برده یز به گونه ای دیگر بود و ما شاهد آن هستیم که زبان و گویش مردم به نحوی تکامل پیدا کرده و یا مدرن گردیده است . دیگر کسی در محاوراتش از کلمات بسیار سخت و با معانی پیچیده استفاده نمی نماید و با چند کلمه یا جمله ساده ، منظور را بیان می نمایند . حال که زبان زندگی اینگونه تغییر کرده چرا زبان شاعر را نمی بایستی تغییر کند؟ و الزام بر رعایت آن همه مقررات دست و پاگیر داشته باشیم؟ شعر بیان حرف درون است چه با قافیه و چه بدون قافیه ، چه با ردیف و چه بدون آن . کلمات زیبا ، همانند جمله های کوتاه از ادبای بزرگ ، همانند اشعاری کوتاه و یا تک بیت هستند و به نظر می رسند .